



نشنال گالری لندن

فیلیپ هنری
ترجمه نیلوفر آهنجی

ساختمان نشنال گالری، واقع در میدان ترافالگار، در آوریل سال ۱۸۳۸ احداث گردید. بنای ساختمان و تزئینات داخلی آن، همگی در شکل اولیه خود باقی است. این ساختمان در ابتدا جهت برپایی دو انستیتو طراحی شده بود و برای مدت سی سال نیز بدین منظور مورد استفاده قرار گرفت: آکادمی سلطنتی (تأسیس سال ۱۷۶۸) در قسمت غربی ساختمان و ناسیونال گالری (تأسیس سال ۱۸۲۴) در قسمت شرقی آن.

برای هر یک از دو انستیتو از الگوهای دنیای قدیم و جدید برای توسعه استفاده شد. نیاز هنرمندان به شناخت تابلوهای قدیمی و نیز ضرورت برپایی مکانی برای هنرمندان نوپا، عوامل مؤثر در به کارگیری این الگوها بودند. نیاز مبرم به احداث نمایشگاه هنری امری جدید نبود. آکادمی سلطنتی فرانسه از قرن هفدهم متناوباً در موزه لوور نمایشگاه داشت. در ایتالیا نیز چنین بود و در آن ایام پاپ در روم مجموعه‌ای از تابلو و نیز آموزشی برای هنرمندان برپا نموده بود.

در انگلیس مالکان بزرگ در خانه‌های روستایی خود مجموعه‌هایی از تابلوهای نقاشی داشتند و علاقه‌ای به مکانی عمومی در شهر لندن جهت ارائه تابلوهایشان نشان نمی‌دادند. یکی از این مجموعه‌های هنری متعلق به سر رابرت والیول^۱ بود که پس از مرگش، در سال ۱۷۷۷، نوه او پیشنهاد فروش این مجموعه را به مجلس عوام مطرح کرد اما مورد استقبال قرار نگرفت.

در آکادمی سلطنتی ایده تشکیل گالری عمومی طرفداران زیادی یافت. سر جاشوارینولدز^۲، اولین رئیس آکادمی، پیشنهاد اهدای کلکسیون شخصی خود را مطرح نمود. بعد از فوت او جیمز بری^۳ ایده‌های او را دنبال کرد و احتمالاً اولین کسی که کلمه نشنال گالری را به کار برد، او بود. دانشگاهیان دیگر نیز فکر او را دنبال نمودند. هر یک از آنها نظریات و اشکال متفاوتی را پیشنهاد کردند و نظری واحد و منسجم وجود نداشت. در جریان تلاش برای حل این مشکلات نظری انستیتو انگلیس در سال ۱۸۰۵ به منظور توسعه هنرهای زیبا در بریتانیا به وجود آمد و برنامه‌ای در این خصوص به شاه جورج سوم تقدیم شد. در این برنامه خواسته شده بود که انستیتو انگلیس تبدیل به گالری عمومی در ابعادی ملی گردد و آثار آن از طرف هنرمندان و ثروتمندان اهدا و یا خریداری شود. همچنین وجود آثاری از هنرمندان بزرگ دوره‌های قبل به منظور آشنایی هرچه بیشتر نقاشان مدرن با آن آثار مورد توجه بود. در جلسه‌ای با حضور جمعی از هنرمندان و دست‌اندرکاران، مکانی برای برپایی نمایشگاه در خیابان پال مال^۴ برگزیده شد که با نام جدید دو سال بعد گشایش یافت. پال مال مکانی مناسب بود اما به دلایلی نامعلوم هرگز مجموعه‌ای دائمی در آنجا دایر نگردید. آثار هنری توسط فرمانداران و بزرگان به ناسیونال گالری عرضه می‌گردید و نیز نمایشگاه‌هایی از تابلوهای قدیمی برپا می‌گشت. در ادامه اختلاف نظر پیرامون شکل و محتوای گالری عمومی، تلاش افراد مختلف به نتیجه‌ای واحد نرسیده

بود. عده‌ای معتقد بودند که مطرح نمودن آثار هنرمندان دوره‌های قبل باعث تشویق ثروتمندان به پرداخت مبالغی هنگفت می‌گردد و برخی دیگر علاوه بر ارائه تابلوهای قدیمی بر تشویق هنرمندان در شکوفایی و پرورش توانایی‌هایشان تأکید می‌ورزیدند. کانستابل^۵ یکی از این افراد بود.

در این دوره بیشتر گالری‌های بزرگ اروپا افتتاح شده بود: وین در سال ۱۷۸۱، پاریس در سال ۱۷۹۳، آمستردام در ۱۸۰۷، مادرید ۱۸۰۹ و در برلین در ۱۸۲۳. ایده تشکیل نشنال گالری به هیچ‌عنوان تازگی نداشت و مسأله حفظ و حراست گنجینه‌های هنری مطرح بود چرا که تقریباً یک قرن و نیم قبل، پارلمان پیوریتن تمامی کلکسیون چارلز اول پادشاه انگلیس را به خارج از کشور انتقال داده بود که بیشتر آنها اینک در لوور، پاردو^۶ و موزه تاریخی کانست قرار دارند. این بزرگ‌ترین مجموعه نقاشی در جهان بود و فقط دو مجموعه از این آثار بعداً به خانواده سلطنتی بازگردانده شد.

در تاریخ اشرافیت انگلیس ولیعهد (بعدها شاه جورج چهارم) یکی از بزرگ‌ترین حامیان هنر محسوب می‌گردید. او با پشتیبانی از لارنس و ویلیک^۷ تابلوهای هلندی را که اینک در کاخ بوکینگهام قرار دارند، جمع‌آوری نمود و در جریان دوباره‌سازی شهر لندن و در رقابت با پاریس ناپلئونی، شهر لندن را به مرکزی هنری تبدیل کرد.

تأسیس گالری

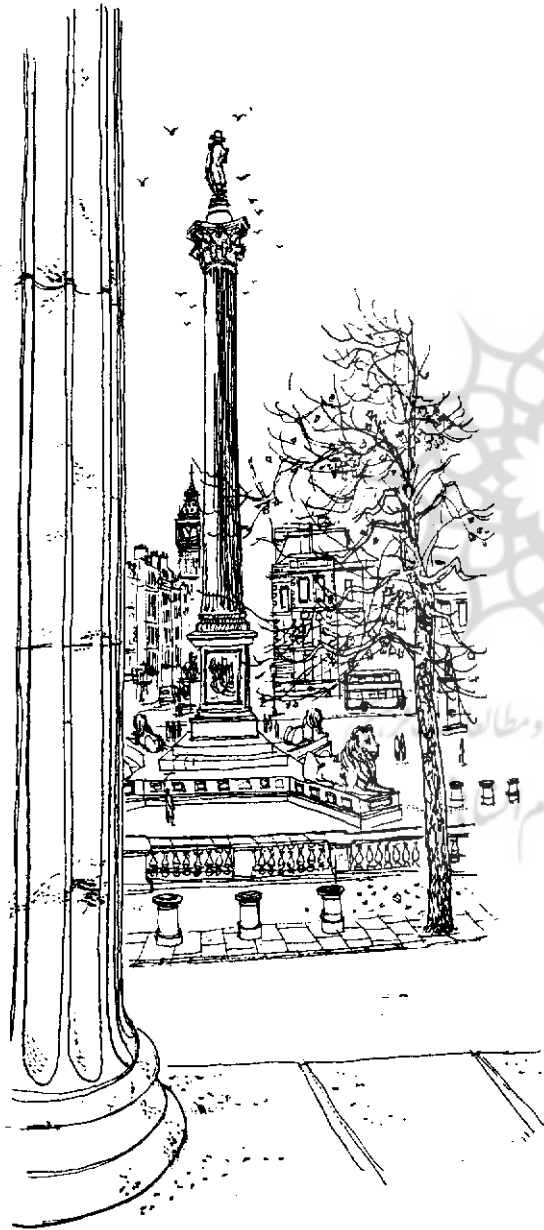
پیدایش و شکل‌گیری نشنال گالری با اهدای دو مجموعه با ارزش و بزرگ همراه بود: مجموعه‌های سر جورج بومانت^۸ و جان جولیس انگرستین^۹. سر جورج بومانت صاحب یکی از بزرگ‌ترین تابلوهای منظره در دنیا بود و در سال ۱۸۲۳ پیشنهاد اهدای آن را به عموم، در صورت تشکیل گالری عمومی مطرح کرد. تابلوهایی چون «قلمرو استین» اثر روبنس^{۱۰}، «محوطه استون میسون»

اثر کانالتو^{۱۱}، چهار اثر از کلود^{۱۲} و دو اثر از رامبراند به نام‌های «بازرگان یهود» و «گواهی»^{۱۳} در این مجموعه بارزش وجود داشت.

مجموعه انگرستین از کلکسیون بومانت بسیار مهم‌تر بود. این کلکسیون شامل دو تابلوی ایتالیایی از قرن شانزدهم بود: «ونوس و آدونیس» اثر تیتین^{۱۴}، «جنینش جذامی» اثر سیاستینو دل پیومبو و نیز مجموعه‌ای از آثار آلبرت کویپ^{۱۵} که موجب تمایز گالری لندن از دیگر گالری‌های هلند می‌گردید. دو تابلوی نفیس و جواهرگونه از رامبراند به نام‌های «زن گناهکار» و «نیایش چوپانان»^{۱۶}، پنج تابلو از کلود و آثاری از نقاشان انگلیسی قرن هجدهم نیز وجود داشت. اغلب چندین هنرمند و کلکسیونر در گالری انگرستین واقع در خیابان ۱۰۰ پال مال حضور داشتند. به‌همراه توسعه کلکسیون، تعداد بازدیدکنندگان نیز افزایش یافت و کلکسیون انگرستین برای دو سال اول در پال مال باقی ماند تا این‌که فعالیت نشنال گالری در تاریخ ۱۰ مه ۱۸۲۴ آغاز گردید.

دوره خیابان پال مال

فعالیت‌های هنری در پال مال ۱۰۰ به دلیل تراکم تابلوها و عدم استحکام ساختمان چندان مطمئن نبود. در اوایل سال ۱۸۳۴ مجموعه به مکانی دیگر در پال مال ۱۰۵ منتقل شد. در آنجا نیز گالری به توسعه خود ادامه داد و در آوریل سال ۱۸۳۸ نشنال گالری جدید به میدان ترافالگار منتقل گردید. فعالیت نشنال گالری تا سال ۱۸۶۰، به دلیل فضای کم و عدم وجود نور مصنوعی، بخصوص در زمستان، محدود بود و در طی سی سال اول، هیأت اداره‌کننده آن کارایی چندانی نداشت. از طرفی فعالیت نشنال گالری که از همان آغاز ارگانی دولتی بود، با نظارت و مشارکت افرادی نظیر نخست‌وزیر و مشاور خزانه‌داری پادشاهی توأم بود. با وجود چنین افرادی حصول امکانات مالی برای خرید



چشم انداز میدان ترافالگار

هرچه بیشتر آثار هنری آسان‌تر گردید. برای مثال وزیر خارجه آن‌زمان که بعداً به مقام نخست‌وزیری رسید در کنار کار سیاسی، وقت خود را صرف گردآوری مجموعه‌ای بزرگ از آثار نقاشان هلندی و فلمینگی از قرن هجدهم کرد و در سال ۱۸۷۱ این مجموعه توسط پسرش به گالری اهدا شد.

ایستلیک ۱۷ - سرپرست گالری - خدمات ارزنده‌ای مبنی بر گسترش گالری و نیز ارتقای کیفیت نگهداری تابلوها انجام داد و در نامه‌ای خطاب به نخست‌وزیر وقت، عدم کارایی ساختمان، ترکیب نامناسب بعضی از اتاق‌ها، فضای محدود برای نمایش آثار نقاشی موجود، کمبود امکانات برای شاگردان علاقه‌مند، نیاز به دفاتر اداری، سیستم نامناسب تهویه و گرمای اتاق‌ها را یادآور گردید و در ادامه سیاست‌های خود آثاری از گوئیو و روبنس ۱۸، جوانی بلینی ۱۹ و برخی از کارهای اولیه رافائل را خریداری کرد، و سپس آثاری از جوتو، ماساچو و ده تابلو از رنسانس - شمال ایتالیا - که بهترین تابلوی جوانی بلینی به نام «مریم باکره و کودک» از آن‌جمله بود. به همراه بیست و دو تابلوی دیگر خریداری شد.

نمایش این آثار در ناسیونال‌گالری، در آغاز، موجب ابهام و تعجب گردید. تابلوهای «مریم باکره و کودک با دو فرشته» منصوب به جوتتا پیزانو ۲۰ و تابلو «صلیب عیسی» اثر استاد سان‌فرانچسکو بعنوان نمونه‌هایی از سبک رومی و متعلق به نقاشی سنتی ایتالیا، تابلوی «مریم باکره و کودک با قدیسان» اثر دوچو، استاد هنر گوتیک، و آثار دیگری از گوتیک توسکان از هنرمندانی چون آنیولو گادی اوچلو و بوتیچلی ۲۱.

مطالعه کتاب «موضوعاتی در تاریخ نقاشی رنگ‌روغن» ایستلیک را به تکنیک نقاشان هلندی قدیم علاقه‌مند کرد و به همین دلیل آثار باارزشی از نقاشان هلندی به گالری لندن راه یافت. ایستلیک که طی چند سال سرپرستی ناسیونال‌گالری، خدمات ارزنده‌ای جهت

جمع‌آوری نمونه‌هایی از آثار هنرمندان سراسر جهان نمود در سال ۱۸۶۵ در پیزا درگذشت.

بعد از ایستلیک، ویلیام باکسال بیمنت او را به‌عهده گرفت. اما او تبحر و تجربه ایستلیک را نداشت و هنر ایتالیا را خوب نمی‌شناخت. با وجود این چند تابلوی مهم در اولین سال فعالیت او خریداری شد: ۹ تابلو از روبنس و یازده تابلو از رامبراند، اثری از پتر دهوگ ۲۲ و آثاری از مکتب هلندی قرن هفدهم که ارزشی برابر با رنسانس ایتالیا داشت.

با وجود پیشنهاد کمیته منتخب مبنی بر ضرورت احداث ساختمانی دیگر برای نشنال‌گالری و بعد از گذشت ده سال هنوز کاری در این مورد صورت نگرفته بود. در این هنگام نشنال‌گالری نمایشگاه خود را در میدان ترافالگار وسعت داد و از تمامی فضای اطراف ساختمان قبلی نیز استفاده نمود. از سال ۱۸۸۰ بازدیدکنندگان با پرداخت ۶ پنی در روزهای معینی قادر به کپی آثار هنری بودند. سیستم تهویه گالری بهبود یافت و نور مصنوعی اجتناب از نور مستقیم خورشید تعبیه گردید.

تابلوهای اهدایی مربوط به قرن نوزدهم ارزش تاریخی کمتری داشتند اما از ارزش هنری برخوردار بودند. وجود تابلوهای ایتالیایی و رنسانس فلورانس، مجموعه ملی انگلیس را از دیگر مجموعه‌ها متمایز می‌کرد. و ایتالیا به‌مثابه «مکتب اروپا» شناخته شد و پلی میان کهنه‌گرایی و عصر جدید قلمداد گردید.

تابلوهای دیگری نیز از آثار اولیه مکتب هلندی بعد از جنگ جهانی به گالری افزوده گردید: آثاری از مملینک، داوید، بوش و بروگل که حاکی از آگاهی تازه‌ای از طبیعت و خلق آثاری ماندگار بودند و سپس عشق و علاقه انگلیس به و نیز باعث گردید تا مجموعه‌ای از تابلوهای ونیزی از کانالتو ۲۳ و گواردی راهی نشنال‌گالری گردد.

تیت گالری ۱۲

بخش بزرگی از تاریخچه نشنال گالری در قرن بیستم را تیت گالری رقم می‌زند که در سال ۱۹۵۵ توسط پارلمان ضمیمه نشنال گالری گردید. این گالری که در سال ۱۸۹۷ تأسیس شده بود، بهترین و بزرگ‌ترین آثار نقاشان انگلیسی را در اختیار داشت. در سال ۱۹۱۵ مجموعه ملی نقاشی‌های انگلیسی در آن جای گرفت و

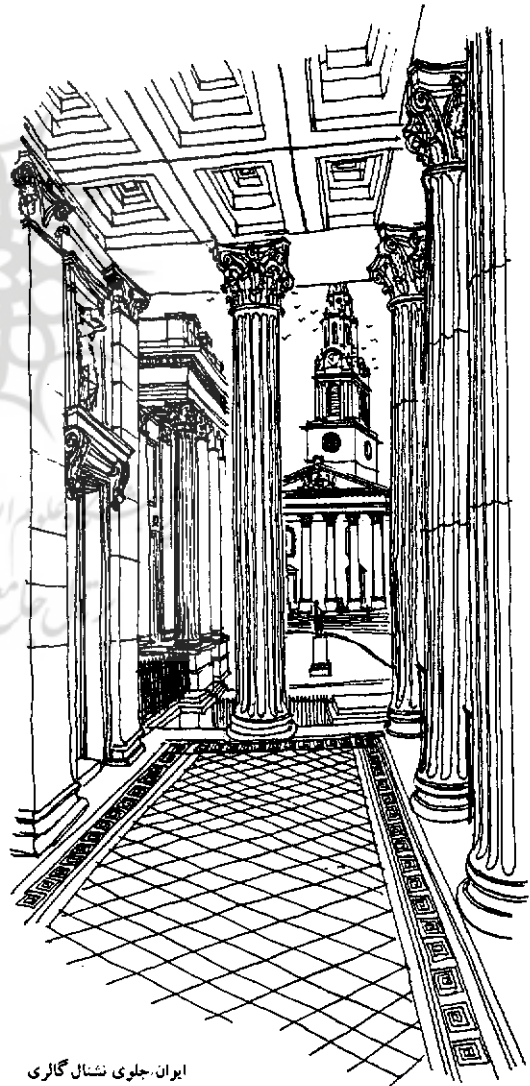
بعد از جنگ جهانی اول نیز دو بیست تابلوی انگلیسی متعلق به دوران مختلف به آن‌جا منتقل شد و بیش از سیصد تابلوی انگلیسی بعد از جنگ جهانی دوم به تیت گالری راه یافت که از اولین آثار هوگارت تا آخرین کار ترنر را شامل می‌گردد. در سال ۱۹۱۷ ناسیونال گالری تابلوهایی از هنرمندان فرانسوی قرن نوزدهم دریافت نمود که تمامی آنها به تیت منتقل گردید. تابلوهایی از رنوار، مانه، مونه و پيسارو و بسیاری از استادان بزرگ فرانسه از آن جمله است.

سال‌های بعد از جنگ

در این دوره، توسعه ساختمان گالری منحصر به بازسازی قسمت‌های آسیب‌دیده در طول جنگ و نیز دوباره‌سازی بقیه قسمت‌ها بود. جنگ باعث شکستن شیشه‌ها و ویرانی سقف گردید. طبقات نمایشگاه توسط آب و آتش صدمه دید و تالاری با فضای زیرین آن در طبقه اول کاملاً از بین رفت. تابلوهای نقاشی که در پناهگاهی کوهستانی (جایی که دستگاه‌های تهویه هوا در آن تعبیه گردیده بود) قرار داشت، در خاتمه جنگ مجدداً به نشنال گالری بازگردانده شد.

بازگرداندن هرچه بیشتر تابلو و نمایش عمومی آنها، علی‌رغم شرایط موجود ساختمان همواره در دستور کار قرار داشت و گالری هرگز بر روی عموم بسته نشد و به هنگام بازدید مردم، مراحل بازسازی دنبال گردید. تالار دیگری در سال ۱۹۶۱ گشایش یافت. ساختمان با دستگاه‌های تهویه برای سیزده تالار بازسازی شد. این بخش در قسمت غرب ساختمان واقع بود و زیر آن در طبقه اول قسمت «مراجعه به فهرست‌ها» نیز بازسازی گردید. در این قسمت از تهویه و نور مصنوعی برای نمایش تابلوها استفاده می‌شود و دیوارهای آن از حریر ابریشمی پوشیده شده است.

در سال ۱۹۶۶ سیاست ارسال و یا امانت‌دادن تابلوها به گالری‌های محلی در تمامی نقاط انگلیس از



ایران جلوی نشنال گالری



یکی از سالن های اصلی عکس ۱۸۸۶

5. Constable
6. Pardo Kunst
7. Lawrance and Wilkie
8. Sir George Boumont
9. John Julius Angerstein
10. Rubens Le Chateau De Steen
11. Canaletto The Stonemason's Yard
12. Claud
13. Rembrandt Jew Marchant Deposition
14. Titian Venus and Adonis
15. Albert Cuyt
16. Woman taken in Adultery - Adoration of the Shepherds
17. Eastlake
18. Guido
19. Giovanni Bellini
20. Giunta Pisano
21. Agnolo Gaddi Uccello Botticelli
22. Pieter de Hoogh
23. Canaletto
24. Tate Gallery

سرگرفته شد که در سال های اخیر متوقف گردیده است. در مکان هایی که دارای دستگاہ تهویه است، از شیشه های محافظ، که بیش از صد سال تابلوهای نقاشی را می پوشاند، استفاده نمی شود، چرا که تهویه مطبوع، در نتیجه مطالعات دقیقی بعد از جنگ در نشنال گالری، بهترین راه حل برای حفظ تابلوها شناخته شد. بخش حفاظت از آثار هنری برای کندکردن روند خرابی تابلوها به مراقبت های مداوم مشغولند. مطالعه و تحقیقات اصلی جهت حفاظت و نگهداری تابلوهای نقاشی توسط بخش علمی صورت می گیرد و تاکنون تحقیقات بسیاری در این زمینه به انجام رسیده است.

پی نوشت ها :

1. Sir Robert Walpole
2. Sir Joshua Reynolds
3. James Barry
4. Pall Mall

آثاری از نشنال گالری لندن



Masolino

ماسولینو

سنت جان بابتیست و سنت ژروم

این تابلو قسمت چپ از یک کار سه قسمتی است که قسمت مرکزی آن در ناپل و قسمت راست آن در فیلادلفیا است. این تابلوی سه تکه، در هر دو طرف جلو و پشت، نقاشی شده است. تمامی قسمت‌های این تابلوی چوبی از وسط اژه شده و هر موزه هر دو تصویر (پشت و جلو) را از هر قسمت داراست. این تابلو برای سنت ماریا ماجوره^۱ حدود سالهای ۳۰-۱۴۲۶ در رُم نقاشی شد.

Filippo Lippi

فیلیپو لپی

«عید بشارت»

در میان ابرهای سیاه در قسمت بالای تابلو، دست خدا وجود دارد. دست در حباب کم‌رنگی از نور بوده و حبابها با پرواز کبوتر به طرف زانوی حضرت مریم هرچه کوچک‌تر می‌شوند. جرقه‌هایی از طلا از دست خدا، کبوتر و لباس سرخ‌رنگ زیبای مریم باکره به بیرون می‌جهد. مأموریت جبرئیل دارای تشریفات است و در هیئت اشرافی وارد می‌شود. پارچه‌ای از طلا قسمت پشت مریم باکره، روی ستون مرمری و تا زیر پای او را دربر می‌گیرد. شکوه تابلو را انتقال تدریجی نور ملایم به وجود می‌آورد. این تابلو از قصر ریکاردی در فلورانس گرفته شده و در سال ۱۸۶۱ توسط گالری خریداری شده است.

پی‌رو دلا فرانچسکا

Piero Della Francesca

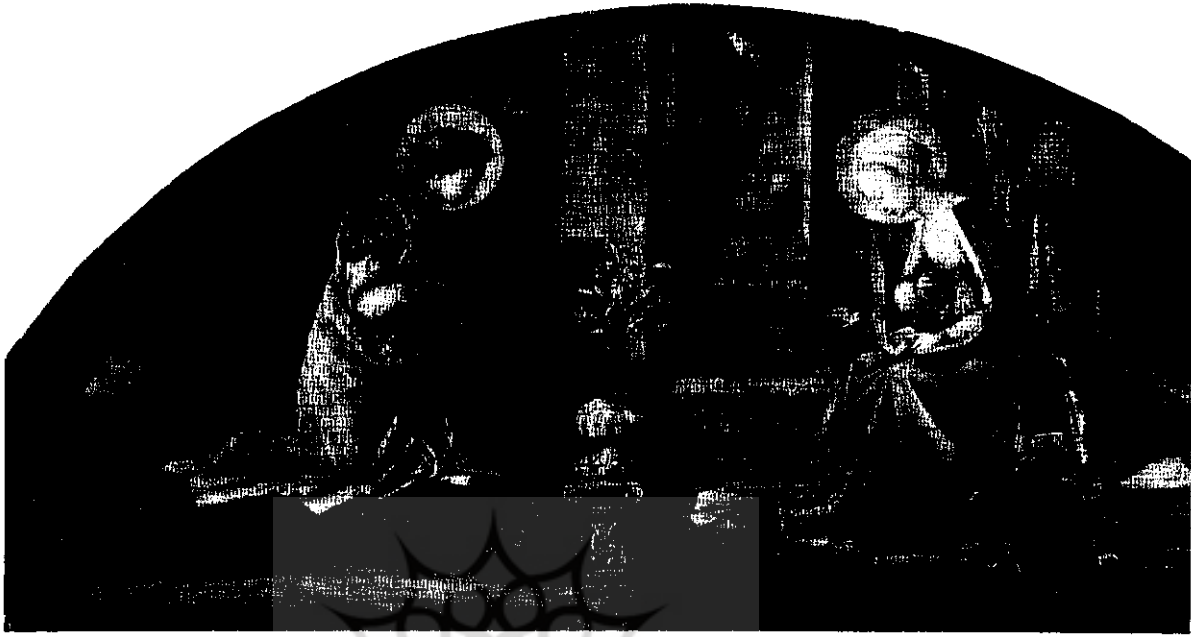
ولادت عیسی

اتحاد کامل بین نظریه و مشاهده احتمالاً در اواخر دوره حرفه نقاشی پی‌رو به وجود آمد.

سنت جوزف روی زین نشسته است. پشت او دو چوپان ایستاده‌اند. یکی از آنها به بالا اشاره می‌کند (احتمالاً به ستاره شرق) این تابلو در سال ۱۸۷۴ خریداری شد.

موضوع اصلی این تابلو سرود روحانی مسیحیان برای مسیح کودک توسط گروه فرشتگان است. این موجودات نه با بالها و یا زیبایی فوق‌طبیعی و یا حتی با وجدی روحانی، بلکه با شکلی که در تابلو به خود گرفته‌اند و با طبیعی‌ترین هماهنگی موسیقی‌شان، به عنوان فرشته شناخته می‌شوند. کسی قادر به شنیدن صدایی نیست اما صدا به مانند هوای خالص و ناب احساس می‌گردد.

سرودی که فرشتگان در حال خواندن هستند، قسمتی از یک سمفونی است که پی‌رو نقاشی کرده است. او تمامی طبیعت، خدا، انسان و دنیای قابل رؤیت، نور و رنگ، را هماهنگ نمود. بیشتر کارهای پی‌رو عنصر روشنگری را که باعث تمایز هنر فلورانس است، در خود دارد که (با دریافتی تجربی‌تر از مطالعه طبیعت) تنها با مشاهده دقیق طبیعت این مهم حاصل می‌گردد.



Carlo Crivelli

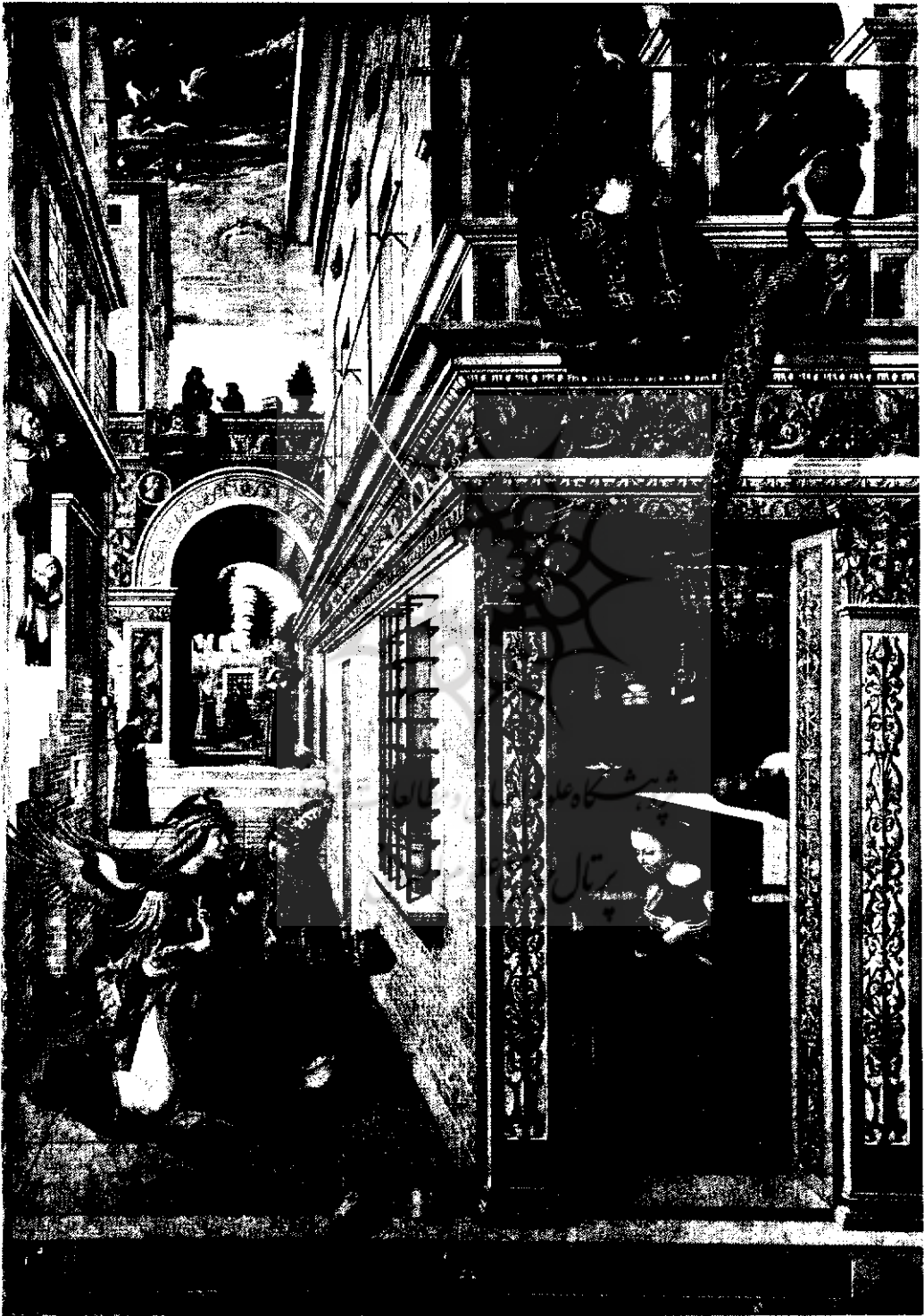
کارلو کریولی

عید بشارت با سنت امیدوس

کریولی فقط موضوعات مذهبی را نقاشی می‌کرد، اما در دستان او، تابلوی مذهبی، شکلی دنیوی و عجیب می‌یافت.

خانه نجار، قسمتی بسیار آراسته از قصر مجللی است که زنان، مردان، کودکان و راهب‌ها و خدمتکاران در باغ و حیاط زندگی می‌کنند. برای این جشن بشارت، از گلدان‌ها و قفس‌های پرندگان استفاده شده و فرشی از نرده آویخته است. طاووس، پرهای طلایی خود را از گچ‌بری بالای دیوار به بالای اتاق مریم باکره آویخته است. معمار ساختمان، در حاشیه دیوار روزنه‌ای کار گذاشته تا کبوتر مستقیماً از بهشت فرود آید. در چنین محیط بسیار طبیعی، به نظر می‌رسد که سنت امیدوس، نگهدار اسکولی^۲ مقدس، مانند ندیمی با جبرئیل رفتار کند. شاید هنرمند، با این تزئینات گسترده، احترام خود را به کارهای دستی نشان می‌دهد. در دوران گوتیک و رنسانس، تنها معدودی از هنرمندان از تابلو بعنوان فرصتی مناسب برای ارائه دیگر آثار ظریف هنری استفاده نکردند، اما کریولی از هنرمندانی بود که این اندیشه را وسیعاً به کار می‌گرفت زیرا تابلو کلمات «آزادی» و «علم کلیسا» با طلا نوشته شده است و بر پایه ستون‌های خانه نام نقاش و تاریخ نقاشی به چشم می‌خورد.

کریولی اهل ونیز بود اما بیشتر عمر خود را در اسکولی زیست. این تابلو در سال ۱۸۶۴ به گالری اهدا شد.



لئوناردو داوینچی Leonardo Davinci حضرت مریم و صخره‌ها

لئوناردو دانشمندی بود که به چند و چون مسائل واقف بود. او در مورد مشاهدات و نقاشی مطالبی بسیار نوشته است، اما هیچ‌گاه آنچه را که مشاهده می‌کرد، نقاشی نمی‌کرد و تلاش او در ترسیم ناشناخته‌ها بود. لئوناردو در این اثر از نور خورشید استفاده نکرده است و اولین کسی است که تاریکی را مورد استفاده قرار داد و به همین دلیل نقاش سایه‌ها لقب گرفت. در مورد نحوه نقاشی کردن می‌گوید: «آسودگی، اصل و روح نقاشی است.» آسودگی، به شکل دایره، نشان‌دهنده بُعد سوم است. این تابلو جانشینی برای تابلویی دیگر بود که به تمامی توسط خود لئوناردو کشیده شد و اکنون در موزه قرار دارد. البته بسیار عجیب است که دو تابلوی دقیقاً هم‌شکل، از نقاشی که بسیار کم نقاشی می‌کرده است و اکثر تابلوها نیز نیمه‌تمام رها می‌شدند، وجود داشته باشد. این تابلو در ۱۸۸۰ برای گالری خریداری گردید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Masaccio

ماساچو

مریم باکره و کودک با فرشتگان

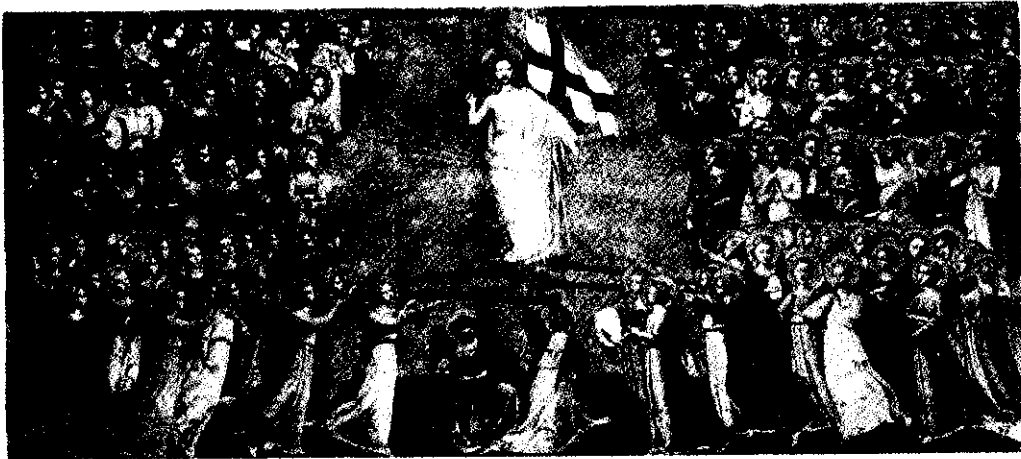
قالب این تابلو به مانند تخته نقاشی آن می‌بایستی گوتیک بوده باشد، زمینه تابلو بنا بر سنت زراندود است، بال‌های فرشتگان پره‌های طلایی دارد و بخشی از آن با رنگ لعاب برآق شده است. دو فرشته ضمیمه با چهره‌هایی نه‌چندان جذاب، نت‌های آرامی را به صدا درمی‌آورند. در بالای سر آنها، کودک، در حال گذاشتن انگور در دهان خود، اخم کرده و آن را ترش می‌یابد. مریم باکره به طرف او و برای حمایتش خم شده است. تاج سر حضرت مریم نشان‌دهنده معماری دوران رنسانس فلورانس است. اندازه جثه او در تضاد با نوار طلایی‌ست. خطوط چهره‌اش استواری او را می‌رساند. فضای پشت او، با سایه‌های عمیق و شکل‌های سنگین، نشان‌دهنده چرخش از سنت گوتیک است. این تابلو، زایش نقاشی رنسانسی را نوید می‌دهد.

ماساچو در ۲۷ سالگی درگذشت. این تابلو اکنون صد سال است که در اختیار انگلیس قرار دارد و در سال ۱۹۱۶ برای نشنال گالری خریداری شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مستقل جامع علوم انسانی



فرا آنجلیکو

ظهور مسیح در دربار بهشت

مسیح در پرتو رنگ طلایی، با پرچم و نیز زخم‌های تن خود در بهشت ظهور می‌کند. او توسط گروه فرشتگان که هاله‌ای بر سر تمامی آنها وجود دارد، احاطه شده است. تمامی گروه در لباس بلند و با موهای طلایی، تنگاتنگ هم قرار دارند. گروهی که بر روی قسمت آبی در پایین تابلو قرار دارند، حرکاتی آزادانه و گوناگون داشته و صورتشان نورانی است.

آنجلیکو بعنوان یکی از بهترین نقاشان رنسانس فلورانس شناخته شد. این طرح نسبتاً اولیه، هماهنگی بین ایمان و روش بیان او را کاملاً به نمایش می‌گذارد. این نقاشی قسمت مرکزی از پنج تابلوی دیگر است که روی چوب نقاشی شده است.

آنجلیکو بخش اعظم عمر خود را در صومعه سن‌دومینیکو، حوالی فلورانس گذراند و رئیس آن صومعه شد. احتمالاً او این تابلو را حدود سال ۱۴۳۵ اجرا کرده است. نقاشی اصلی (روی چوب) در کلیسا قرار داشت و حدود سال ۱۵۰۱ توسط، کردی ۳ مجدداً نقاشی گردید.

پی‌نوشت‌ها:

1. St Maria Maggiore
2. Ascoli
3. Lorenzi Credi